

Pragmatism Analysis of Ahmad Matar fables

Associate Professor, Rasoul balavi * Assistant Professor, Ali khezri M.A, Khalil hamdavi

r.ballawy@pgu.ac.ir

alikhazri@pgu.ac.ir

kh.hamdawi@gmail.com

Persian Gulf University, Bushehr

Abstract

Pragmatism is a philosophical approach that pays attention to the facts and gives the originality to the act. This school is based on action. The main objective should be practical utility. The fable is used by some of the poets to express their ideas about political and social views. Animals naturally play the main role in it. Fable is a story whose purpose is to criticize the chaotic conditions of political and social indirectly in the community. Ahmad Matar lived in an atmosphere full of tyranny. It seems obvious that why most of his lyrics was stated with legend (fable). This research is based on the research library which is Descriptive - Analytical method and tries to analyze the pragmatism of Ahmad Matar's fables so that we can make the instances more prominent. Pragmatism components of the fables of the poet with the terms of the realism the critical approach to reform, and playing the role of clarification. so, the author attempts to analyze a large part of the poet's unspoken things which is considered a part of the message. The results show that the purpose of Matar's fables from the perspective of pragmatism was to notify the people, Decolonization and the fight against tyrants, and the poet criticized the political tyranny according to the fable and the Political space is explored from the angle of pragmatics.

Key words: contemporary literature, Pragmatism, fable, Ahmad Matar.

تحليل پراگماتیسمی فابل‌های احمد مطر

خلیل

دکتر علی خضری، استادیار

دکتر رسول بلاوی*، دانشیار

حمداوی، کارشناسی ارشد،

دانشگاه خلیج فارس - بوشهر / ایران

چکیده

پراگماتیسم (عملگرایی) رویکردی فلسفی است که به امور واقع، توجه خاصی دارد و اصالت را به عمل می‌دهد. در این مکتب، علم ارزش عملی دارد و هدف اصلی علم، باید فایده عملی آن باشد. شیوه برخی از شاعران در بیان دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی، استفاده از فابل بوده که بالطبع، نقش اول فابل‌ها را حیوانات ایفا می‌کنند. فابل حکایتی است که هدف از

آن، انتقاد از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی جامعه، به شکل غیر مستقیم می باشد. احمد مطر در فضایی سرشار از استبداد زندگی می‌کرد و طبیعی بنظر می‌رسد که بیشتر اشعار خود را با افسانه تمثیلی یا فابل بیان کند. پژوهش حاضر بر پایه تحقیقات کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی-تحلیلی می‌کوشد، به تحلیل پراگماتیسمی از فابل‌های احمد مطر بپردازد، تا از این رهگذر، مصادیق فابل‌های این شاعر برجسته تر گردد؛ نیز مولفه‌هایی از پراگماتیسم در فابل‌های شاعر، با توجه به شاخص‌هایی همچون: واقع بینی، رویکرد انتقادی به قصد اصلاح امور، ایفای نقش روشنگری و... مورد کنکاش قرار می‌گیرد. لذا نگارندگان در پی آن هستند تا بخش بزرگی از ناگفته‌های شاعر که جز پیام محسوب می‌شوند مورد تحلیل قرار دهند. نتایج بررسی فابل‌های مطر از منظر پراگماتیسمی نشان می‌دهد که آگاه سازی مردم، مبارزه با استعمار، مبارزه با حاکمان مستبد، هدف اساسی این فابل‌ها بوده است و شاعر استبداد سیاسی را از منظر فابل مورد انتقاد قرار داده و فضای باز سیاسی را از زاویه عملگرایی مورد کنکاش قرار داده است.

کلید واژه: ادبیات معاصر؛ پراگماتیسم؛ فابل؛ احمد مطر.

احمد مطر از جمله شاعرانی است که از فابل برای بروز مصائب سیاسی و اجتماعی بهره برده است. نگاه او نگاهی شمول گرایانه است بدین معنی که شعر او همه سرزمین‌های عربی را در برمی‌گیرد. تیغ تیز انتقاد او، شامل همه عوامل استبداد سیاسی و نابهنجاری‌های اجتماعی در تمام سرزمین‌های عربی شده است. احمد مطر خود را عضوی از جامعه عربی می‌داند و محدودیت مرزهای جغرافیایی را نادیده می‌گیرد، «از نشانه‌های مردم‌گرایی در سروده‌های احمد مطر، احساس پیوند عمیق، دیرین و ناگسستنی این سراینده با ساکنان تمام سرزمین‌های عربی و بازگویی و ابراز ناگستگی از مخاطب عرب تبار خویش است؛ وی در بسیاری از سروده‌هایش خود را عضوی

١. پیشگفتار

ادبیات چه در قالب نظم و چه در قالب نثر، به عنوان یکی از اشکال بی‌نظیر بیداری اجتماعی، نقش اساسی در تشویق ملتها و انسان‌هایی دارد که برای رهایی مبارزه می‌کنند. یکی از ابزارهای مهم شعرا و نویسندگان، استفاده از فابل برای ترسیم مظلومیت مردم ستمدیده است. در این قالب شعری، فریاد رسای ملتهای ستمدیده در لفافه، و به طور غیر مستقیم به بهترین شکل بیان می‌شود. شاعر به دلیل خفقان و نبود آزادی از فابل، به عنوان وسیله‌ای برای انتقاد از اوضاع نابسامان و گستره‌ی ظلم و ستم حاکمان استفاده می‌کند.

بررسی شخصیت‌های فابل‌ها و ساختار پراگماتیسمی آن‌ها پرداخته می‌شود و نشان داده می‌شود که شاعر در فابل‌ها، سطح فکری، نگرش شخصیت‌های اصلی فابل‌ها و مخاطب آن‌ها را به خوبی نشان داده است. بنابراین مساله مورد نظر در این مقاله، مطالعه عملگرایانه فابل‌ها است که بر مبنای تحلیل منظور شاعر و شخصیت‌های اشعارش سروکار دارد و ساختار و چگونگی سازماندهی کلام شاعر با در نظر گرفتن مخاطب، مکان و شرایط حاکم بررسی می‌شود؛ بنابراین هدف این است که فابل‌های شعری احمد مطر با تاکید بر مکتب عملگرایی (پراگماتیسم) بررسی شود.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش از چشم‌اندازی تازه به دنبال یافتن رگه‌های عملگرایی (پراگماتیسم) در اندیشه سیاسی-اجتماعی احمد مطر است و در پی پاسخ به این چند پرسش است:

- عناصر پراگماتیسم در فابل‌های شعری احمد مطر چگونه بیان شده‌اند؟ و بازخورد فابل‌ها در اندیشه عملگرایانه شاعر چگونه نمود یافته است؟

- چه ضرورتی شاعر را به استفاده از فابل مجبور کرده است؟

- بکارگیری فابل در شعر احمد مطر، چه تاثیری بر فهم عامه مردم و آگاه‌سازی آن‌ها نسبت به اوضاع سیاسی و اجتماعی داشته است؟

از «ما» حاضر در کشورهای عربی می‌داند و کرانمندی و محدودیت مرزهای جغرافیایی را نادیده می‌انگارد و هم از این رو فریاد شاعرانه خویش را پژواک و بازتاب سخنان دردمندان عرب‌های سراسر جهان عربی می‌داند» (حیدریان شهری، ۱۳۹۳: ۹-۱۰).

فابل‌های احمد مطر به عنوان شعری سیاسی، اجتماعی با مفاهیم اخلاق در آمیخته شده اما محتوای غالب آن‌ها سیاسی است. از آن جایی که سیاست با «هست» ها و دنیای عینی و واقعی سروکار دارد، شاعر نیز با دیدی واقع بینانه به مسایل مختلف سیاسی و اجتماعی پرداخته است و در بیان نکات اجتماعی و سیاسی با مد نظر قرار دادن واقعیت‌ها به ارائه راهکارها پرداخته است.

پراگماتیسم به عنوان یک مکتب فلسفی آمریکایی، بر این عقیده است که حقیقت چیزی جدا از وجود انسان نیست و آن چه که در عمل مفید و کارساز واقع شود، حقیقی است و برای رسیدن به نتیجه مطلوب به ویژه در عرصه سیاست باید مصلحت عمومی را در نظر بگیریم و چه بسا این امر گاهی مغایر با موازین اخلاقی باشد.

در این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی، ابتدا پیشینه و تعریفی از مکتب پراگماتیسم بیان می‌شود، سپس با تحلیل فابل‌ها، به

١-٢. پیشینه پژوهش

در زمینه پراگماتیسم مقاله‌ای تحت عنوان "انسان از دیدگاه پراگماتیسم جدید (ریچارد رورتی)" از خسرو باقری و منصور خوشخویی در فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا در سال ۱۳۸۱ منتشر شده و در این پژوهش، انسان از دو بعد به هم پیوسته فردی و جمعی مورد توجه قرار گرفته است. نیز مقاله‌ای با عنوان "عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه" از محمد آهی و فاطمه مهربانی‌ممدوح در مجله متن پژوهی ادبی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، در سال ۱۳۹۳ چاپ شده و در آن با رویکردی علمی، به بررسی پراگماتیسم در کلیله و دمنه می‌پردازد.

در زمینه فابل مقاله‌ای با عنوان "داستان پرندگان در شعر احمد شوقی با تاکید بر جنبه‌های نمادین تربیتی، اجتماعی و سیاسی" از علی اصغر روان شاد و محسن زمانی در دو فصلنامه نقد ادب معاصر عربی در سال ۱۳۹۲ چاپ شده که در این مقاله بعد از طرح مباحث مقدماتی، پرندگانی را که بیشترین کاربرد در قصه‌های شعری شوقی دارند مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مقاله "میزان تاثیر پذیری فابل‌های احمد شوقی از لافونتن" از محمد جواد فلاحی و هوشنگ رزم‌دیده در مجله مطالعات

ادبیات تطبیقی سال ۱۳۹۴ چاپ شده و در این مقاله به بررسی فابل‌های این دو شاعر و میزان تاثیرپذیری شوقی از لافونتن پرداخته است.

در مورد شعر احمد مطر نیز کتب و مقالاتی چند به رشته نگارش در آمده از جمله: کتاب "عناصر الإبداع الفني في شعر احمد مطر" از کمال احمد غنیم که در انتشارات مدبولی سال ۱۹۹۸م به چاپ رسیده و در آن جلوه‌های فنی شعر مطر مورد بحث قرار گرفته است. مقاله‌ای با عنوان "طنز سیاسی - اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مطر" از قاسم مختاری و جواد سپهری‌نیا در کاوش‌نامه‌ی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده و در این مقاله شعرهای طنزگونه هر دو شاعر به نقد در آمده و علل و انگیزه‌های آن بیان شده است. نیز مقاله‌ی "پژوهشی در اندیشه‌های سیاسی اشعار احمد مطر" از احمد رضا حیدریان شهری در فصلنامه لسان مبین در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده که در آن بعد سیمای سیاسی شعر مطر و مهم‌ترین عناصر ایدئولوژی سیاسی شعر او مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین مقاله‌ای با عنوان "افسانه‌ی تمثیلی و کارکرد آن در شعر احمد مطر" از محمود حیدری در فصلنامه‌ی نقد ادب معاصر عربی سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده که در این پژوهش، به بررسی داستان‌ها و

در فلسفه پراگماتیسم انطباق با واقعیت عینی از اهمیت چندانی برخوردار نیست و حقیقت هر چیز به وسیله‌ی نتیجه نهایی آن اثبات می‌شود. بر این اساس فلسفه پراگماتیسمی از هدف‌های نظری، خالی است و بیشتر به عمل توجه دارد (فولکیه، ١٣٤٧ش: ٣٥٧).

«پراگماتیسم‌ها فرد و جامعه را از یکدیگر مجزا نمی‌دانند و چنین می‌پندارند که افراد در جامعه و توسط جامعه شکل می‌گیرند. در چنین برداشتی افراد بازیگر نقش‌ها نیستند، بلکه بدون آن که بر تفوق خواسته‌ها و انگیزش‌ها و ارزش‌های فردی پافشاری کنند در کنش اجتماعی سهیم هستند» (سبزیان موسی آبادی و بهمن، ١٣٨٩ش: ١٠٨). بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که در چنین مکتبی علم نیز قدر و اعتبار عملی دارد و هدف علم ماهیت و کنه اشیاء نیست بلکه هدف اصلی علم نیز باید فایده عملی آن باشد.

٢-٢. فابل

فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی است. «فابل (fable) به معنی قصه و حکایت است. در ادبیات جهانی به آن دسته از قصه‌ها و افسانه‌های کوتاه منثور یا منظوم گفته می‌شود که از زبان حیوانات بیان شده است.» این

کارکردهای هر کدام می‌پردازد، سپس به جنبه‌های هنری هر روایت پرداخته می‌شود. با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته اما، تاکنون تحقیقی در زمینه تحلیل پراگماتیسمی فابل‌های مطر صورت نگرفته و مقاله حاضر تلاشی جدید در این زمینه است.

٢. معرفی پراگماتیسم و فابل

٢-١. پراگماتیسم

واژه پراگماتیسم مشتق از لفظ یونانی (pragma) و به معنی عمل است. این واژه نخستین بار توسط چارلز ساندرز پیرس (Charles sanders piercs) منطقدان آمریکایی به کار برده شد و مقصود او از به کار بردن این واژه، روشی برای حل کردن و ارزشیابی مسائل عقلی بود. اما به تدریج معنای پراگماتیسم تغییر کرد (باقری و عطاران، ١٣٧٤ش: ١١٠). اکنون پراگماتیسم به نظریه‌ای مبدل شده که می‌گوید: حقیقت چیزی است که از دیدگاه انسان خوب باشد. به سخن دیگر، پراگماتیسم یعنی اینکه، درباره هر نظریه باید بر پایه نتایجی که از آن به دست می‌آید داوری کرد. «از این رو در نگرش فلسفی پراگماتیسم، مجموعه‌ی امور، به صورت محض، انتزاعی و نامربوط به زندگی نیست، بلکه وظیفه‌ی اصلی آن حل مسائل انسانی است» (سبزیان موسی آبادی و بهمن، ١٣٨٩ش: ١٠٥).

ستمديده را به بهترين شكل بيان مي‌کند.

فابل‌های مطر در واقع تصويری از وضع واقعي جامعه عراق است. در اشعار او سياست به طور مشخص، با اشكال و سير گوناگون خويش مطرح است. از اين رو در فابل‌های او عملکرد منفي و خشونت بار حاکم، با حيوانات نشان داده مي‌شود و هر يك با زبان و فرهنگ خود سخن مي‌گويد. او كوشيده است نا از خلال فابل، آرمان‌ها و آرزوهای خود را بيان کند و علي‌رغم انتقاد شديد از طبقه حاکم در جامعه عربي، اما در پی مدینه فاضله‌ای است که ارکان آن با اصلاح شرايط سياسي و اجتماعي حاصل گردد. او از مصايب وابستگي به بيگانگان و استعمارگران بشدت ناراضي است و خودکفائي و استقلال سياسي و اقتصادي را در برخي از فابل‌های خود به بهترين وجه بيان مي‌کند:

حلب البقالُ ضرع البقرة/ ملاً السطلّ .. وأعطاهما الثمن/ قَبَلت ما في

يديها شاکرة/ لم تكن قد أكلت منذُ زمن/ قصدت دُكانه/ مددت يديها

بالذي كان لديها / واشترت كوب لبن. (مطر، ۲۰۰۱: ۲۸۱)

(بقال گاو را دوشيد/ سطل را پر کرد... و بهایش را پرداخت کرد/ دست‌هایش را از سر شکر گذاري بوسيد/ مدتي است که چيزي نخورده است/ به طرف دکان رفت. آنچه که داشت را تقديم کرد/ و ليوان شيري خريد)

روايات تخيلي هستند و به بيان مطالب اخلاقي مي‌پردازند. در واقع شخصيت‌های اين قصه‌ها حيواناتي با سرشت انساني‌اند» (سعيديان، ۱۳۶۹ش: ۵۹۷-۵۹۹). البته فابل گاهي نيز براي داستان‌های مربوط به موجودات طبيعي و يا وقايع خارق العاده و داستان‌های دروغين و ساختگي به کار مي‌رود «در اين حکايت اخلاقي شخصيتها اغلب حيواناتند؛ اما اشيای بي جان، انسان‌ها و خدايان نيز ممکن است در آن ظاهر گردند» (پور نامداریان، ۱۳۸۶ش: ۱۴۲).

۳. مولفه‌های پراگماتيسم در فابل‌های احمد مطر

پس از معرفي پراگماتيسم و فابل به تحليل و بررسي مولفه‌های پراگماتيسم (عملگرایی) در فابل‌های احمد مطر پرداخته مي‌شود تا ميزان مطابقت آن با اشعار اين شاعر روشن گردد.

۳-۱. واقع بينی

احمد مطر از آندسته شاعرانی است که با ملاحظه وضعيت جامعه و درک عميق مسائل آن، به تشریح اوضاع سياسي و اجتماعي پرداخته و سعی کرده است به گونه‌ای سخن بگويد که شعرش بيانگر زبان حال مردم باشد. او از خلال واقع بينی و ارائه راهکارهای عملي درباره بهبود اوضاع سياسي و اجتماعي جامعه خود، درد مشترک خود و مردم

شده/ و در گوشه‌های قصرها سگ‌های کالبد شکاف اقامت گزیده اند).

در این فابل ناامیدی و بدبینی شاعر در قالب سکوت همراه با ناله و نفرین بیان شده است. مطر سرزمین‌های عربی را بازیچه استعمارگران دانسته که به تکه‌های کوچکی تقسیم شده‌اند و عوامل استعمار یا همان حاکمان مستبد را ابزار پیش برنده‌ی سیاست‌های استعمارگران دانسته است. او با آوردن عبارت "سکوت پیشه کنید" از ناامیدی سخن می‌گوید، سپس با آوردن عبارت جنازه برای کشورهای عربی، مهر تصدیقی بر این احساس خود می‌زند. گویا اصطلاح "مردگان" را به عنوان مصداقی برای سکوت خود انتخاب کرده تا سکوت مردم در مقابل استبداد را به باد انتقاد بگیرد.

٢-٣. رویکردی انتقادی به قصد اصلاح امور

ادبیات انتقادی همواره منعکس کننده‌ی جهت گیری‌ها و اندیشه‌های مبارزان علیه حاکمیت استبدادی بوده است. در تحلیل گفتمان انتقادی، ابعاد مختلف بی‌عدالتی و نابرابری ناشی از سوء استفاده از قدرت، اساس تحلیل‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین زمینه بروز گفتمان انتقاد، به وجود شرایط، وقایع و نظام سلطه مدار بستگی دارد که در جامعه زمان مطر، به وضوح دیده می‌شود.

در این فابل مطر وابستگی بیش از حد کشورهای عربی را مورد انتقاد قرار داده است. و خواستار رواج رویه‌ای پراگماتیسمی در این زمینه است که همانا خودکفایی و بی نیازی از استعمار می‌باشد. او کشورهای عربی را به گاوی تشبیه کرده که استعمار، نفت آن‌ها را به تاراج می‌برد و در قبال آن با کالاهایی که به آن‌ها می‌دهد پول را پس می‌گیرد. بنظر می‌رسد در این فابل به بهترین شکل، لزوم روی پای خود ایستادن و در اصطلاح خودکفا بودن را نشان می‌دهد.

فابل‌های مطر، نماد آزادی، کرامت ملت عرب، آفت استعمار و... می‌باشد. با مطالعه فابل‌های احمد مطر، نوعی بدبینی و ناامیدی احساس می‌شود. گویا شاعر از اصلاح امور به کلی ناامید است و یأس و ناامیدی در برخی از فابل‌های او به وضوح عیان است. لیکن پرواضح است که مطر از سلاح انتقاد در جهت عملی کردن اصلاح امور و بهبود شرایط سیاسی استفاده کرده است:

إسکتوا/ لا صوت یعلو/ فوق صوت النائحة/ نحن أموات ولیست هذه
الأوطانُ إلا أضرخه/ قُسمت أشلاؤها/ بین ذباب ونسور/ وأقیمت فی
زواياها القصور/ لكلاّب المشرحه. (همان، ٢٠٠١م: ٨٧)

(سکوت پیشه کنید/ هیچ صدایی بالاتر از صدای ناله‌گر نیست/ ما مردگانی هستیم و کشورهایمان جنازه‌ای بیش نیستند/ که لاشه آن‌ها توسط پشه‌ها و لاشه‌خورها تکه تکه

رأت دول الكبرى تبديل الأدوار/ فأقرت إعفاء الوالي/ واقترحت تعيين حمار/ ولدى توقيع الإقرار/ نَحمت كُلُّ حمير الدنيا باستنكار/ نحن حمير الدنيا لا نرفض أن نتعب أو أن نركب/ لكن نرفض في اصرار أن نغدو خدما للإستعمار/ إنَّ حموريتنا تأتي أن يلحقنا هذا العار. (همان، ٢٠٠١م:

(١٦٣)

(کشورهای بزرگ (استعمارگران) خواستند جایگاه‌ها را عوض کنند/ پس تصمیم به برکناری حاکم گرفتند/ وپیشنهاد انتصاب الاغ کردند/ و در هنگام امضای حکم/ تمام خران دنیا به نشانه اعتراض سروصدا کردند/ ما خران می‌پذیریم که اذیت شویم یا سواری دهیم/ اما اصرار می‌کنیم که خدمتکار استعمار بمانیم و آن را با جان و دل می‌پذیریم/ خرگی ما نمی‌گذارد که این ننگ را تحمل کنیم).

در این فابل مطر سرسپردگی حاکمان سرزمین‌های عربی را به باد انتقاد گرفته و نکته قابل استناد پراگماتیسمی این فابل، همان رهایی از استعمار است. او با تشبیه حاکمان به خران قصد دارد تفاوت انسان و حیوان هنگام اعتراض به ظلم و ستم را بیان کند و معتقد است که استعمار ستیزی محقق نمی‌شود، مگر در عمل کردن به اصولی همچون نپذیرفتن ذلت و متکی به خود بودن.

در فابلی دیگر، عملگرایی را در چهره انقلاب و قیام مردمی به تصویر می‌کشد:

احمد مطراز مشهورترین شعرای است که اوضاع سیاسی جهان عرب را به نقد کشیده است. او در قبال حوادثی که در کشورهای عربی رخ می‌دهد سکوت اختیار نکرد، بلکه بیداری امت عربی هدف و غایت اصلی او بود. او با نا آگاهی ملت در قبال وقایعی که در کشورهای عربی رخ می‌دهد اشاره می‌کند. وقایعی که باز خورد آن‌ها به خود ملتها باز می‌گردد و نتیجه آن ظلم و استبداد است که دامنگیر مردم این کشورها می‌شود. او ملت عرب را به خاطر وضع تحمیل شده سیاسی، انتقاد می‌کند. شاعران انتقادی «در بیداری و آگاه سازی مردم در تحولات سیاسی و برانگیختن آنان، به دخالت در تعیین سرنوشت خود با استفاده از شیوه‌های خلاق سهمی سزاوارانه داشتند». (اسوار، ١٣٨١ش: ١١٧).

اساس فابل‌های احمد مطر، بیان انتقادهای سیاسی و اجتماعی شاعر از سه طبقه تاثیر گذار در عرصه سیاسی کشورهای عربی است. او از حاکمان عرب، از مردم و از استعمار به شدت انتقاد می‌کند که در این میان حاکمان بیشترین سهم را از لبه تیغ تیز انتقاد او داشتند. او حاکمان را مسبب دیکتاتوری و دست نشانده استعمارگران می‌داند و سپس مردم را به سبب سکوت و عدم مبارزه طلبی انتقاد کرده است:

ها می‌خواهد تا آرامش و راحتی را کنار نهد و حقوق از دست رفته خود را باز یابد.

هذي البلاد سفينة/ والعرب ريخ/ والطغاة هم الشراع/ والراكبون بكل ناحية مشاع/ إن أذعنوا... عطشوا و جاعوا/ وإذا تصدوا للرياح/ رمت بهم بحراً... و ما للبحر قاع/ وإذا ابتغوا كسر الشراع/ ترنخوا معها... وضاعوا/ دعهم فإن الراكبين هم الفرائس... والسباع دعهم/ فلو شاؤوا التحرر لاستطاعوا/ هم ضائعون لم يدرسوا علم الملاحة/ هم متعبون لأنهم... ركنوا الراحة. (همان، ٢٠٠١: ٣٥٣)

(این سرزمین به سان کشتی است/ عرب تندباد/ و مستبدان بادبان/ و سوارکاران در هر قسمتی منتشرند/، اگر تسلیم شوند... تشنگی کشند و گرسنه مانند/ اگر جلوی تند باد ایستند آن‌ها را به دریا اندازد... دریا اما نهایی ندارد/ اگر خواهند بادبان را بشکنند/ با آن از بین می‌روند... و تباه شوند/ سوارگان طعمه هستند و گرگان. رهایشان کن/ اگر آزادی خواهند توانایی آزاد شدن را دارند/ آن‌ها گمراه هستند دانش دریانوردی نمی‌دانند/ آن‌ها خسته هستند گوشه آرامش را برگزیدند.)

در این فابل، شاعر سرزمین‌های عربی را به کشتی عظیمی تشبیه کرده، استعمار را به مثابه باد و استعمارگران را بادبان این کشتی می‌داند و سواران بر این کشتی (مردم سرزمین‌های عربی) را افراد سردرگمی می‌داند که به آن‌ها این واقعیت دروغین، تحمیل شده که

متنا مليون ثملة/ أكلت في ساعة جنة فيل/ ولدينا مائتا مليون إنسان/ ينامون على قبح المذلة/ ويُفبقون على الصبر الجميل/ مارسوا الإنشاد جيلاً بعد جيل/ ثم خاضوا الحرب لكن ... / عجزوا عن قتل ثملة. (همان، ٢٠٠١: ١٨٢)

(دومیلیون موریانه/ فیلی را در ساعتی خوردند/ دویست میلیون نفر داریم/ سر به بالین ذلت نهادند/ و صبحگاه صبر نیکویی پیشه کردند/ و نسل اندر نسل ترانه سرایی را تمرین کردند/ سپس جنگ‌ها با هم کردند اما... / با اینکه بر کشتن موری ناتوانند.)

مطر با قرار دادن موریانه به عنوان فابل، از سکوت مرگبار مردم کشورهای عربی در قبال حاکم ستمگر انتقاد کرده است. او از خلال این فابل در پی عنصر آگاه سازی عموم ملت عرب است. گویی می‌خواهد با گفتن این که دویست موریانه فیل بزرگی را در لحظه‌ای متلاشی کردند و سپس با آوردن اصطلاح، دویست میلیون انسان، هم از سکوت و پذیرش خواری و ذلت و ظلم و ستم انتقاد می‌کند و هم مردم را به قیام علیه حاکم ستمگر دعوت می‌کند.

شاعر از خلال فابل‌های شعری قصد دارد نوعی عنصر پراگماتیسمی را در ذهن انسان عربی ایجاد کند. او با در پیش گرفتن اسلوب انتقادی، می‌خواهد ملت عرب را به تهییج و تحریک وادارد و سپس با بیان واژه‌هایی نظیر آزادی از آن

در این شعر از آزادی حیوانات برای تحریک احساسات مردم کشورهای عربی یاد می‌کند. او با نام بردن از فابل‌های حیوانی نظیر سگ، خر، و قاطر می‌خواهد آزادی حیوانات را به رخ آن‌ها بکشد. می‌گوید: آدمیزاد از نسل بنی آدم است و آزاد آفریده شده لیکن در سرزمین‌های عربی میان دو واژه هستی و مرگ قرار دارد و از هیچ راحتی و آزادی برخوردار نیست و حتی از سایه خود می‌ترسد مبادا که قوانین را زیر پا بگذارد.

٣-٣. ایفای نقش روشنگری

احمد مطر چون ظلم ستیز است به قهرمانی در میان عامه مردم تبدیل شده و فابل‌های او نقش روشنگری را دارد که برای جامعه پیرامونی خود دلواپس است و غایت و هدف اساسی او از بین بردن استبداد در همه اشکال گوناگون آن است. اگر به جنبه پراگماتیسمی فابل‌های او دقت کنیم، مشاهده خواهیم کرد که هدف فابل‌های او نجات امت عربی از استبداد و عقب ماندگی و جهل و فرو رفتن در خرافات است.

با توجه به اینکه بیشتر اشعار مطر محتوایی سیاسی دارند، می‌توان گفت شاعر از قالب‌های هنری گوناگون جهت انتقال پیام و بیان اندیشه‌های سیاسی مردم استفاده کرده است. «او در برابر آنچه که در کشورهای عربی رخ می‌دهد سکوت پیشه نکرد و خواستار بیداری امت عربی در برابر آنچه که در

اگر در مقابل حرکت کشتی مقاومت کنند غرق می‌شود در صورتی که آنان نمی‌دانند که خود شیرانی‌هستند و اگر تصمیم بگیرند سرزمین‌های خود را از دست استعمارگران برهانند، به راحتی بر این مهم توانایی دارند سپس از باب انتقاد می‌گوید: مردم به دلیل این که راحت طلب شده‌اند نمی‌توانند در پی آزادی و رهایی از استبداد باشند و البته راه چاره را در اعتماد به نفس و دوری از بی‌خبری و حرکت رو به جلو می‌داند.

البته شاعر گاهی انتقاد را از دایره اخلاق خارج می‌کند و به شدت از سلب حقوق ملت عرب توسط حاکمان انتقاد می‌کند:

تنطلق الكلاب في مختلف الجهات بلا مضايقات/ تلهث باختيارها/ تنبح باختيارها/ و تعرب الحمير عن أفكارها بانكر الأصوات بلا مضايقات/
و تترق البغال في أثارها من غير اثباتات بلا مضايقات/ ونحن نسل آدم
لسنا من الأحماء في أوطاننا ولا من الأموات/ نهرب من ظلالنا/ مخافة انتهاكنا حظر التجمعات. (همان، ٢٠٠١: ١١٥-١١٦)

(سگان در همه جا بدون قید و بند حرکت می‌کنند. به اختیار خود پارس می‌کنند خران با صدای مضمّن افکار خود را بیان می‌کنند بدون هیچ مشکلی. قاطران بدون این که ردپایی از خود به جای‌گذارند به این سو و آن سو حرکت می‌کنند و ما فرزندان آدم نه پشتیبانی در میهنمان داریم و نه از مردگانیم از سایه خود فرار می‌کنیم. از ترس از پا گذاشتن منع تجمعات.)

با گذاشتن علامت «...» ذهن مخاطب را شریک اندیشه خود می‌سازد و از این طریق خواننده را به همراهی دعوت می‌کند و او را در عرصه کلام و اندیشه شریک می‌داند و از خواننده انتظار دارد که با توجه به ذهنیت و تجربه و پیش زمینه‌ای که دارد داستان را دنبال کند.

در فابل زیر شاعر به زیبایی هر چه تمامتر خواننده را به اهمیت آزادی و تن ندادن به ذلت دعوت می‌کند:

فراشة هامت بضوء شمعة / فحلقت تُغازل الضرام / قالت لها الأنسام
(قبلك كم هائمة.. أودى بما الختام) / خذي يدي وابتعدي / لم تسمع
الكلام / ظلت تدور / تحطمت وحشر الحطام: (أموت في النور ولا
أعيش في الظلام). (همان، ۲۰۰۱: ۲۷۷)

(پروانه‌ای شیفته نور شمعی شد / و پرواز کنان با نور عشق بازی می‌کرد / نسیم به او گفت: پیش از تو چندین پروانه سرگردان.. تسلیم شدند / دستم را بگیر و دور شو / به حرف گوش نداد / و به چرخش ادامه داد / تا اینکه متلاشی شد: (مردن در نور بهتر از مرگ در تاریکی‌ست).

در این فابل شاعر نوعی پراگماتیسم را تبیین می‌کند. پروانه با اینکه می‌دانست در زیر نور خواهد مرد لیکن تسلیم ظلمت نشد. گویی شاعر می‌خواهد گریزی به جامعه عربی بزند و به آن‌ها یادآور شود که همانند پروانه شوند و آزادی را بر ننگ و ذلت

کشورهایشان اتفاق می‌افتد، بود. او به بی‌خبری ملت عربی نسبت به وقایعی که در عالم رخ می‌دهد و به نادانی که آنها را فرا گرفته اشاره می‌کند، و این نتیجه حوادثی است که در عراق در طی سالیان گذشته رخ داده است و نیز به ستمی که بر مردم و ملت روا می‌رود، بر می‌گردد. (مجیدی و حیدری، ۱۳۹۰: ۷)

في مقلب القمامة / رأيت جنة لها ملامح الأعراب / تجمعت من حوها
"النسور" و"الذباب" و فوقها علامة تقول: هذي جيفة / كانت تُسمي
سابقا... كرامة. (همان، ۲۰۰۱: ۷)

(درهنگام واژگونی زباله‌ها / جسدی را دیدم که نشانه‌های اعراب را داشت / که در اطراف آن کرکس‌ها و مگس‌ها جمع شدند. و بالای جسد نشانه‌ای بود که می‌گفت: این لاشه است / و در گذشته عزت و کرامت نامیده می‌شد).

مطر سرزمین‌های ملت عرب را به لاشه‌ای تشبیه کرده که در گذشته ارزش و اعتباری داشت. از نظر او این سرزمین در گذشته دارای کرامت و ارزش بود. لیکن امروزه محل تجمع استعمارگران و حاکمان دیکتاتور شده است. او با مقایسه گذشته و حال این سرزمین می‌خواهد ذهن مردم را روشن کند تا به وضع اسفبار کنونی خود توجه کنند و برای رهایی از این وضعیت اسفبار تلاش نمایند. نکته قابل توجه در چنین فابل‌هایی این است که شاعر،

در تقابل با صیاد قرار داده است که کبوتر آزادی خود را فدای مادیات نمی‌کند، لیکن انسان فریب سخنان فریبکارانه شکارچی یا همان حاکم را می‌خورد و آزادی خود را فدای تطمیع دروغین می‌کند. لذا شاعر با استفاده از این فابل خواستار عملگرایی در جهت نیل به آزادی و فریب نخوردن مقابل مخالفان آزادی است.

٣-٤. مصلحت‌گرایی

واژه پراگماتیسم علاوه بر معنای فلسفی در مفهوم تمسخرآمیز نیز به کار می‌رود (آهی و مهربانی ممدوح، ١٣٩٣ش: ١٢). مفهوم کاربرد تمسخرآمیز یعنی، مبتنی بر پایبند نبودن به اصول و عقایدی خاص که در مفهومی دیگر می‌توان آن را مصلحت‌خواهی منفعتی نیز قلمداد کرد. به عبارتی دیگر مصلحت‌گرایی به نوعی مفهوم منفعت‌طلبی را یدک می‌کشد. البته سود و مصلحتی که پراگماتیسم در نظر دارد سود و مصلحت شخصی نیست و هدف و غایت نهایی آن مصلحت کلی است.

یکی از شاخص‌های مکتب پراگماتیسم مصلحت‌گرایی است. در فابل‌های شعری احمد مطر مواردی را می‌توان یافت که از منفعت‌طلبی کلی سخن به میان آمده است. با توجه به اینکه زبان شعری در فابل‌های این شاعر، زبانی پرخاشگر و صریح است، بنابراین آن را در اشعار کوتاه و بریده به کار می‌برد و گزینش واژه‌های ساده، با

ترجیح دهند. یعنی عمل کردن به آرمان‌های انسانی را به عنوان توشه مسیر سیاسی خویش در پیش گیرند.

در فابل "حدیث الحمام" ارج نهادن به آزادی از جانب کبوتر را دستاویزی قرار می‌دهد تا به انسان یادآور شود که این موهبت الهی را ارج نهند.

حدَّث الصيادُ أسراب الحمام/ قال عندي قفصٌ/ أسلاكهُ ريش نعام/
سقفه من ذهب/ والارضُ شيعٌ و زحام/ فادخلي فيه وعيشي في سلام/
قالت الأسراب: لكن به حربةٌ معتقلة/ أيها الصياد شكراً/ تصبح الجنةُ
ناراً حين تغدو مقفلة/ ثم طارت حُرّةً/ لكن أسراب الأنام/ دخلت في
قفص الأذعان حتى الموت/ من أجل وسام.(همان، ٢٠٠١م: ٢٨٥-
٢٨٦)

(شکارچی با دسته‌های کبوتران سخن گفت/ گفت قفسی دارم/ که سیم‌های آن پر شتر مرغ است/ سقفش از طلاست و کف آن، شمع و سنگ مرمر است/ پس داخل آن شو و در آرامش زندگی کن/ دسته کبوتران گفتند: اما در آن آزادی وجود ندارد/ ای شکارچی متشکریم/ بهشت جهنمی خواهد شد هنگامی که در بسته باشد/ سپس آزادانه پرواز کردند/ اما دسته‌های مردم بخاطر مسند در قفس‌های گرفتاری وارد شدند.

شاعر نقش روشنگرانه خود را در این فابل به خوبی نشان داده است. او با تقابل کبوتر و انسان، از تقابل آزادی و گرفتاری سخن رانده است. و انسان و کبوتر را

از خلال این فابل می‌توان نوعی مصلحت‌گرایی کلی را استنباط کرد. بدین معنی که اندوه اساسی شاعر رفاه تمام امت عربی است.

مطر در فابل زیر از دست دادن ثروت ملی را در قطعه‌ای زیبا به تصویر می‌کشد و منابع طبیعی را از آن تمام مردم کشورهای عربی می‌داند.

قوت عیالنا هنا/يُهدرُهُ جلالَةُ الحمارِ/ في صالة القمار/ يا شرفاء/ هذه الأرض لنا/ الزرعُ فوقها لنا/ والنفط تحتها لنا/ وكل ما فيها بماضيها وأتيتها لنا/ فما لنا في البرد لا نلبسُ إلا عُربنا/ وما لنا في الجوع لا ناكلُ إلا جوعنا. (همان، ۲۰۰۱: ۷۵)

(غذای خانواده‌های ما اینجاست. جناب حاکم آنرا با بازی قمار هدر می‌دهد. ای مردم شریف این زمین برای ماست. مزارع آن و نفت آن و تمام آنچه که در گذشته و آینده در آن بود از آن ماست. اما در سرما چیزی جز لخت بودن نمی‌پوشیم. و در گرسنگی چیزی جز گرسنگی نمی‌خوریم)

در این فابل، شاعر مصلحت را در این دیده که توجه مردم و مخاطبان خود را به این مهم ملتفت سازد که این سرزمین و آن چه در آن است مختص‌خودشان است و لذا مصلحت‌گرایی یا همان استفاده از فابل در جهت تحریک عواطف و احساسات مخاطب در جهت نیل به آزادی و مبارزه با عوامل استبداد به وضوح دیده می‌شود. مطر شاعری است سیاسی، که در فابل‌های خود

نگرش ساده او نسبت به دنیای اطراف همخوانی دارد. این نگرش ساده، شعری برون‌گرا می‌آفریند که مصلحت و منفعت شخصی از آن به دور است. البته این دیدگاه مخالف اندیشه ماکیاولی است «کامیاب آن کس است که کردار وی همساز با روح زمانه باشد و آن کس که کردارش جز این باشد کامیاب نخواهد شد» (ماکیاولی، ۱۳۶۶ش: ۱۱۳). در معنایی دیگر ماکیاولی معتقد است که کامیابی باید از دل حوادث زمانه برخاسته باشد و هر کرداری باید به کامیابی منتهی گردد. یعنی شخص باید از طریق کردار خود به منفعت شخصی دست یابد.

مطر شاعری است که در فکر تمام امت عربی است و با توجه به این دیدگاه، طبیعی بنظر می‌رسد که در پی منفعت شخصی نباشد. او از اختلاف طبقاتی میان حاکم و رعیت سخن می‌گوید و همدرد با مردم مظلوم، در اردوگاه مخالف حاکم قرار می‌گیرد:

يا سيدتي هذا ظلم/كلبٌ يتمتعٌ باللحم/ وشعوبٌ لا تجدُ العظم/
وشعوبٌ تسيخُ في الدم/كلبٌ في حضنك يرتاح/ يمتصُّ عصيرالنفاخ/
وينال القبلة بالفم/ وشعوبٌ مثل الأشباح. (همان، ۲۰۰۱: ۲۲۳)

(سرورم این ستم است که سگی / گوشت بخورد و ملتی حتی استخوانی نمی‌یابد. امتی در خون خویش شناور است و سگی در آغوش تو آسوده است. می‌نوشد و نوازش می‌شود و ملت مانند ارواح هستند.)

را وسیله ای قرار دهد تا استبداد و سلب آزادی بیان را در جامعه خود بیان کند.

در فابلی دیگر با قرار دادن واژه ای به نام ترس، در اختیار گرفتن زمام امور مردم توسط مستبدان را تبیین می کند:

ما معنی أن يملك لص/ أعناق جميع الأشراف؟/ ليس اللصُّ شجاعاً أبداً
../ لكنَّ الأشراف تخاف/ والتعلُّبُ قد يبدو أسداً/ في عين الأسد
الحواف/ ما بلغ (الواحد) مقداراً/ لولا أن واجه أصفاراً/ فغدا آلاف
الألاف. (همان، ٢٠٠١: ٤٠٧)

(چه معنی دارد که دزدی زمام امور تمام افراد شریف را در اختیار داشته باشد/ این دزد نیست که خیلی شجاع است.. / بلکه افراد شریف ترسو هستند/ و روباه در چشم شیر ترسو، بسیار شجاع بنظر می رسد/ عدد یک چیزی نیست اگر چندین صفر روبروی او قرار نگیرد/ و در این صورت هزاران هزار می شود.)

احمد مطر ترس را وسیله ای قرار می دهد که مستبدان از آن به عنوان ابزاری در جهت پیشبرد امور خود از آن بهره می گیرند. شاعر معتقد است که در اختیار گرفتن زمام افراد شریف توسط مستبدان همواره با ابزارهای مختلفی صورت گرفته که یکی از آن ها استفاده از ارعاب بوده است.

نتایج

همیشه از تقابل حاکم با مردم سخن رانده است و خواستار احقاق حقوق عامه مردم کشورهای عربی بوده است.

٥-٣. ابزارگرایی

در یک نگرش پراگماتیسمی از وسیله برای نیل به هدف استفاده می شود. یعنی هدف وسیله را توجیه می کند. این بدین معناست که شاعر یا نویسنده عملگرا، از هر راه و شیوه ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می کند. در فابل های احمد مطر مواردی را می توان یافت که محتوای فابل ها، بعنوان ابزاری برای دستیابی به هدف استفاده می شوند:

بلدی.. یا بلدی/ شئت أن أكتشف ما في خلدي/ شئت أن أكتب
أكثر/ شئت.. لكن/ قطع الوالي يدي/ وأنا أعرف ذبي/ أني/ حاجتي
صارت لدى كلب/ و ما قلت له: يا سيدتي. (همان، ٢٠٠١: ١٠٢-
١٠٣)

(ای سرزمینم/ خواستم آنچه در درونم است را فاش کنم/ خواستم بیشتر بنویسم/ خواستم.. اما/ حاکم دستم را قطع کرد/ و من گناه را می دانم/ محتاج سگی شدم/ اما به اونگفتم: ای سرورم).

محدودیت آزادی بیان در این فابل از سوی شاعر به زیبایی به تصویر کشیده شده است. در این فابل با آوردن سگ به عنوان فابل، حاکمان کشورهای عربی را بعنوان عامل اساسی قلع و قمع آزادی بیان معرفی می کند. و گویی می خواهد شعر

پراگماتیسم فابلها هدف اصلی او بوده است.

- می‌توان شالوده اصلی ایدئولوژی پراگماتیسم در فابل‌های مطر را در تشویق ملت‌های ستم دیده به رهایی از استبداد و حرکت در مسیر آزادی، بیان مصائب استعمار و ترسیم بی‌صلاحیت بودن حاکمان سرزمین‌های عربی و... ترسیم کرد.

منابع و مأخذ:

- آهی، محمد، مهربانی ممدوح، فاطمه، «عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه»، فصلنامه علمی، پژوهشی متن پژوهشی ادبی، مقاله ۴، دوره ۱۸، شماره ۶۱، سال ۱۳۹۳ش، صص ۶۳-۸۲.

- اسوار، موسی، «از سرود باد تا مزامیر گل سرخ»، پیشگامان شعر امروز عرب، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱

- باقری، خسرو، عطاران، محمد، «فلسفه تعلیم و تربیت معاصر»، انتشارات موسسه علمی فرهنگی قلم، سال ۱۳۷۴ش، صص ۱۰۸-۱۲۵.

- پورنامداریان، تقی، «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی»، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.

- حیدریان شهری، احمد رضا، «پژوهشی در اندیشه‌های سیاسی احمد مطر»، مجله لسان مبین، سال پنجم، شماره ۱۵، ۱۳۹۳ش، صص ۱-۲۳.

- پراگماتیسم در حوزه شعر و خصوصاً شعر سیاسی، با اینکه ضروری بنظر می‌رسد اما با توجه به آسیب‌هایی که در واقعی بدنبال دارد، همواره می‌توان به آن انتقاداتی وارد کرد. برخی از این آسیب‌ها را می‌توان در بی‌توجهی به مبانی و اصول اخلاقی و عدم پایبندی به اخلاق در عرصه شعر سیاسی دانست. در برخی از فابل‌های شعری احمد مطر، عدم پایبندی به اخلاق در عرصه شعر سیاسی و خطاب قرار دادن حاکمان مستبد با الفاظ غیراخلاقی به وضوح دیده می‌شود.

- سروده‌های احمد مطر دارای ویژگی‌ها و مولفه‌هایی می‌باشد که باعث تمایز شعر او از آثار دیگر شاعران شده است. در فابل‌های او پیوند عمیق و ناگسستنی شاعر با رنج‌های ملت عرب و پیوند عمیق او با مخاطب به وضوح عیان است.

- با توجه به اوضاع آشفته سیاسی و استبداد حکمفرما، زبان اعتراض به صورت آشکار میسر نبود و به ناچار احمد مطر، زبان فابل را برگزید تا ملت‌های ستمدیده عرب را به بیداری و حرکت به سوی آزادی تشویق کند و مشروعیت حاکمان کشورهای عربی را به باد انتقاد بگیرد.

- شاعر بوسیله فابل از تحقق آمال‌ها و آرزوهای خود، در عرصه سیاسی سخن گفته، و فابل شعر سیاسی او، به بهترین شکل در شعرش نمود پیدا کرده و جنبه

- سبزيان موسى آبادي، موسى، وشعيب بهمن، «پراگماتيسم و سياست: بررسى و نقد پراگماتيسم در قلمرو سياست و حكومت»، فصلنامه تحقيقات سياسى و بين المللى دانشگاه آزاد اسلامى واحد شهر رضا، شماره پنجم، زمستان ١٣٨٩ش، صص ٨٩-١٢٣.
- سعديان، عبدالحسين، «دايرة المعارف ادبى»، امير كبير، تهران، شركت انتشارات علمى و فرهنگى، ١٣٦٩ش.
- فولكيه، پل، «فلسفه عمومى يا مابعد الطبيعه»، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٤٧ش.
- ماكياولى، نيكولو، «شهريار»، ترجمه داريوش آشورى، تهران، پرواز، چاپ اول، ١٣٦٦ش.
- مجيدى، حسن، و محمد حيدرى، «مفهوم الحرية في شعر احمد مطر»، مجله ادبيات پايدارى، دانشگاه شهيد باهنر كرمان، سال دوم، شماره سوم، پاييز ١٣٩٠ش، صص ٥٠٦-٥١٨.
- مطر، احمد، «الأعمال الشعرية الكاملة»، ط٢، لندن، ٢٠٠١م.